

خوشبختی در اوج ناامیدی

(le Bonheur, désespérément)

نویسنده:

آندری کومپونویل

(André Comptonville)

مترجم:

امیر رضایی



قصیده سرا

فلسفه



قصیده سرا

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

خوشبختی در اوج ناامیدی

نویسنده: آندره کنت - اسپونویل

مترجم: امیر رضایی

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰

۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۵-۶-۶

حق چاپ محفوظ است.

gide@sara@gmail.com

میدان انقلاب - شهدای ژاندارمری - بین منیری - پلاک ۱ - ۲۷ فروردین -

بن بست مرکزی - پلاک ۱ - راحده

سرشناسه: کنت - اسپونویل، آندره، ۱۹۵۲ - م

عنوان و نام پدیدآور: خوشبختی در اوج ناامیدی/نویسنده آندره کنت - اسپونویل/مترجم امیر رضایی

مشخصات نشر: تهران: قصیده سرا ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۹۳ صفحه ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. شابک 978-964-7675-40-6

وضعیت فهرست نویسی: غیبا

موضوع: خوشبختی

موضوع: ناامیدی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۷۸/۱۴۸۲ Bj

رده بندی دیویی: ۱۷۱/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۴۸۴۳۵

پیش‌گفتار مترجم

کتابی که در دست دارید اثر آندره کنت-اسپونویل (۱۹۵۲ -)، استاد فلسفه در دانشگاه سوربن، از فیلسوفان معاصر و عضو کمیته ملی اخلاق فرانسه است. این کتاب مشتمل بر دو بخش است؛ بخش نخست تحت عنوان «در جست‌وجوی خوشبختی» متن سخنرانی‌ای است که او در سال ۱۹۹۹ در یک همایش ایراد کرده و بخش دوم پاسخ‌هایی است که او به پاره‌ای از پرسش‌های شرکت‌کنندگان در همانندیشی داده است.

اسپونویل از فیلسوفان خداناباورانی است که خود را در چارچوب ماده‌باوری جزم‌اندیش که به هیچ معنای مائل نیست، محصور نکرده است، بلکه به صورتی بسیار بدیع تشریری عمیقاً معنوی و روحانی از خداناباوری و قرائتی ارزشی و اخلاقی از - همان‌که در آن می‌زید، به دست داده است.

از دید او هدف فلسفه خوشبختی است ولی خواهش از رهگذر امید به دست نمی‌آید، زیرا امید هیچ‌گاه قابلیت آن را ندارد که برآورده شود، چون به محض این‌که برآورده شد، دیگر امید نیست. از این رو ما، به تعبیر وودی آلن، کم‌دین و بازیگر مشهور آمریکایی (که اسپونویل این جمله عمیق او را همیشه تکرار می‌کند: چقدر خوشبخت بودم اگر خوشبخت می‌بودم!)، به واسطه امید که در جست‌وجوی خوشبختی است، یا در انتظار خوشبختی از خوشبختی جدا و منفک می‌شویم. از این رو خوشبختی نخواهیم داشت مگر به میزانی که بتوانیم از ناامیدی عبور

۴ خوشبختی در اوج ناامیدی

کنیم. به تعبیر مه‌بهاراتا «تنها انسان ناامید خوشبخت است، زیرا امید بزرگ‌ترین رنج و ناامیدی بزرگ‌ترین سعادت است.» و سعادت بهای فضیلت نیست بلکه خود فضیلت است. بنابر این ناامیدی و سعادت با هم هماهنگ‌اند. اگر ما از نقطهٔ مرزی ناامیدی درگذریم، آنگاه در برابر خویش دشتی باز و آرام و حتی سرورانگیز گشوده می‌شود.

و انسان فرزانه را کسی می‌داند که در اوج ناامیدی احساس خوشبختی می‌کند. بودا فرزانه‌ای است که به جای آن‌که به زیستن امیدوار باشد، حقیقتاً به زیستن تعلق دارد. از این‌رو وی فرزاندگی را «خوشبختی برآمده از حقیقت یا شادی زاییدهٔ حقیقت» می‌داند و از آن‌جا که ما خوشبخت نیستیم — چون نه فرزانه‌ایم و نه ناامید — او فرزاندگی را که مدفون خوشبختی است، ضروری تلقی می‌کند.

با وجود آن‌که او به هیچ دینی باور ندارد، ولی می‌گوید اگر بایستی دینی انتخاب بشود، بنی‌ترید بویس تنها دینی است که با آن کم‌ترین فاصله را دارم. او به فرزاندگی، دینی شرقی مانند فرزاندگی‌های غربی علاقه‌مند است زیرا میان آن‌ها هرگز این شکفت‌انگیزی می‌بیند.

پیشنهاد ترجمهٔ این کتاب از سوزنه‌ها سوسن شریعتی بود که با افکار نویسنده از سال‌ها پیش انس و الفت داشته و دارند. ایشان این کتاب را از سر مهر در اختیارم نهادند و من محو افکار بکر و زیبا و عمیق این فیلسوف شهر با لذتی وصف‌ناپذیر یکسره آن ترجمهٔ آن پرداختم. حاصل آن چیزی است که اکنون در دست شماست. با همهٔ ضعف‌ها و قوت‌هایش.

امیر رضایی

۱۳۹۷/۷/۷